

# ما و عرب‌ها

## پرویز مینوئی

فرمانبردار بودند، سر به شورش و غارتگری زدند. اینک شاهپور که جوانی برومند و چهارشانه شده بود، به عرب‌ها حمله کرد و آنها را کشت و اسیر کرد و عرب‌ها به او لقب ذوالاکتاف یعنی صاحب شانه‌ها دادند. مشهور است که شانه عرب‌ها را سوراخ کرد و از آن طناب رد کرد که به نظر باور کردنی نمی‌آید.

بعد که عمر با مشاوره علی به ایران حمله کرد و صدها هزار نفر را کشت و اسیر گرفت، یک ایرانی به نام فیروز که به او «ابو لوء لوء» می‌گفتند و قرار بود به دستور عمر آسیای بادی بسازد عمر را کشت؟ بعد عثمان و علی هم کشته شدند و معاویه قدرت را به دست گرفت و فرزندان او به عنوان خلیفه‌های اموی حکومت کردند.

یک ایرانی به نام «ابو مسلم خراسانی»، بر مروان آخرین خلیفه اموی حمله بُرد و در سال ۱۳۳ هـ ق و یا ۷۴۰ میلادی مروان و هزاران عرب را کشت و علی ابن عبدالله ابن عباس را به خلافت برگزید و سلسله عباسی جای سلسله اموی را گرفت.

هیچ عربی از این بابت کینه ما ایرانی‌ها را به دل نگرفت. هنگامی که هارون الرشید مُرد برابر وصیت او «امین» خلیفه شد ولی یک سردار ایرانی به نام طاهر ذوالیمینین «مأمون برادر امین را برداشت و در سال ۱۹۵ هـ ق برابر ۸۱۰ میلادی به امین حمله کرد و هزاران عرب را کشت و سر امین را برای برادرش فرستاد: آیا تا به حال به عربی برخوردیده‌اید که بگوید به شما ایرانی‌ها چه ارتباط داشت که دست به قتل هزاران نفر عرب زده‌اید؟!

در سال ۳۳۴ هـ ق برابر ۹۴۵ میلادی معزالدوله دیلمی وارد بغداد شد و نزد خلیفه عباسی به نام مستکفی رفت. چند نفر دیلمی وارد دربار خلیفه شدند و شروع کردن بلند بلند فارسی حرف زدن. سکوت دربار را فرا گرفت و همه با حیرت نگاه می‌کرد. دو نفر دیلمی به تخت خلیفه نزدیک شدند و دو دست خلیفه را گرفتند و از تخت به زیر کشیدند و کشان کشان او را خارج کردند و امیر دیلمی ابوالقاسم پسر مقتدر را به خلافت منصوب و نام او را مطیع الله نهاد. آیا عربی را دیده‌اید که از این بابت به شما ابراز نفرت بکند؟ خلیفه‌های عباسی اسیر یا غلامی ترک داشتند که از

آلمان و فرانسه و انگلیس و دیگر ملت‌های اروپایی در طول تاریخ بارها با هم جنگیده‌اند و کشتار کرده‌اند و امروزه هم گاهی در مورد یکدیگر داستانهای خنده‌دار و یا «جوک» می‌سازند و می‌خندند، ولی هیچگاه از یکدیگر نفرت ندارند و شاهی بر نبودن نفرت، همین که روز به روز در جهت یکپارچگی گام بر می‌دارند:

اما ملت‌های جهان سوم به راحتی و بدون دلیل نفرت را در دل خود می‌کاریم و پیش خودمان می‌اندیشیم که این نفرت بخشی از آزادی و میهن پرستی ما است؟!

هزار و چهارصد سال پیش آقای محمد ابن عبدالله در مکه دین جدیدی به نام «اسلام» آورد و به محض آنکه به مدینه رفت و قدرت گرفت، شروع به حمله به کاروانها و قبیله‌های عرب کرد! تنها دو جنگ دفاعی «احد» و «خندق» انجام شد و بقیه جنگ‌ها از حد بیرون جنگ‌های حمله و غارت بود تا همه عرب‌های شبه جزیره عربستان اسلام آوردند.

در سوره (۴۲ شورا، آیه ۷) چنین آمده است: «... چنین قرآن فصیح عربی را ما به تو وحی کردیم تا مردم شهر مکه ام القری و هر که را که در اطراف آن است، از خدا بترسانی...» پس قربانیان در زمان پیامبر خود عرب‌ها بودند. دوران ابوبکر صرف سرکوب شورش‌ها شد و عمر به ایران حمله کرد و صدها هزار نفر را کشت و اسیر کرد. دستور حمله با عمر بود و به نام اسلام انجام شد. شما وجدان خودتان را قاضی کنید و ببینید چه کسی و به چه نامی به ما حمله کرد؟

حالا بررسی کنیم که ما ایرانیان چه بلاهایی بر سر عرب‌ها آوردیم.

هرمز دوم پادشاه ساسانی در سال ۳۱۰ میلادی مُرد و بزرگان تاج را بر سر همسر آبستن او قرار دادند و فرزند به دنیا نیامده را شاه خواندند. در طول مدتی که فرزند به دنیا بیاید و بزرگ شود تمام امور را به دست بگیرد، عرب‌ها که همیشه

ترکان آسیای مرکزی بود و عثمان نام داشت. این غلام از خود رشادت و مدیریت خوبی نشان داد و او را حکومت آسیای صغیر (ترکیه فعلی) دادند.

و بعد از او فرزنداناش زیر نام آل عثمان بر آسیای صغیر حکومت می‌کردند.

یک ایرانی به نام خواجه نصیر طوسی کوشید تا وزارت هلاکوخان مغول را به دست آورد و سپس هلاکو خان را تشویق کرد تا به خلیفه حمله کند در حالی که هلاکوی مسلمان از حمله به خلیفه مسلمین واهمه داشت و بر این باور بود که خلیفه جانشین پیامبر و نماینده خداست. خواجه نصیر طوسی هلاکو را قانع کرد که خلیفه را دستگیر کند. خلیفه را در یک فرش که از جنس نمد بود پیچید و به هلاکو گفت او را فشار می‌دهیم و اگر باد و توفان صاعقه و زلزله شد او را رها می‌کنیم وگرنه آنقدر فشار می‌دهیم تا بمیرد و به این ترتیب در سال ۶۵۶ هـ ق برابر ۱۲۸۵ میلادی آخرین خلیفه عباسی کشته شد و سپاه هلاکو دست به قتل و غارت زدند و می‌گویند هشتصد هزار عرب به هلاکت رسیدند و عثمانی‌ها در ترکیه ادعای خلافت کردند و تا جنگ جهانی اول یعنی ۷۰۰ سال حکومت خلیفه‌های عثمانی بر عرب‌ها ادامه یافت. یعنی ۷۰۰ سال غلامان ترک بر اربابان عرب خود حکومت کردند. آیا هیچ عربی را دیده‌اید که از این بابت از شما کینه و نفرت داشته باشد؟

آیا هنوز می‌خواهیم باورهای جهان سومی خود را داشته باشیم، یا مانند ملت‌های پیشرفته اروپایی در راه اتحاد و دوستی گام برداریم.

با سپاس - پرویز مینوئی

P.o Box 771353 - Houston

TX 77215 - 1353

parvizminooee@msn.com

(نقل کامل این نوشته با ذکر E-mail نویسنده و ارسال نشانی

سایت، یا کپی رسانه، آزاد است.)